

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش تبلیغی حضرت محمد ﷺ

دوره سوم، شماره، ششم

دوره سوم، شماره هشتم / ۳

نام جزوه: روش تبلیغی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- خدیجه (علیها السلام) در انتظار محمد (صلی الله علیه و اله) ۷
علی (علیه السلام) اولین مردی که ایمان آورد ۹
دعوت خویشاوندان و نخستین اعجاز: ۱۶

هنگامی که محمد (صلی الله علیه وآله) از کوه
حرا پایین آمد و به سوی خانه رهسپار شد، خود را در
عالم دیگری می دید، پیش از آن که به کوه برود پیامبر
نبود اما اکنون با مبدأ جهان مرتبط شده و آنچه را
«بحیرا» «راهب مسیحی» و دیگران درباره ی او
بشارت داده بودند، مشاهده می کرد و می دانست
وظیفه ی خطیری را به دوش گرفته است و در
پیرامون آن وظیفه می اندیشید، اضطراب و وحشتی
اگر داشت تنها از همین جهت بود، نه به خاطر این که
هنوز نمی دانست پیامبر شده است یا نه! زیرا

بشارت‌ها و پیشگویی‌هایی که از افرادی مانند «بحیرا» شنیده بود و دیدن جبرئیل و مژده‌ی او: که تو رسول خدایی^۱، برای قطعیت رسالت او صد درصد کافی بود. اضافه بر این، خداوند هر پیامبری را که برای هدایت انسان‌ها برانگیخته؛ او را با برهان‌های روشن و شاهد‌های قوی به رسالت خود مطمئن می‌کند تا بتواند با عزمی راسخ در راه اصلاح و تکامل انسان‌ها بکوشد.

بنابراین، چقدر بی‌جا و بدون تحقیق است که گفته شود: محمد (صلی الله علیه و آله) نمی‌دانست پیامبر شده تا با خدیجه تماس گرفت و او

دوره سوم، شماره هشتم / ۷

محمد(صلی الله علیه وآله) را بر پیامبری مطمئن ساخت!^۱

خدیجه(ع) در انتظار محمد(ص)

ماجرای روز بعثت موجب شد محمد(صلی الله علیه وآله) دیر به خانه برگردد، خدیجه که نسبت به این موضوع بی سابقه ناراحت شد، ناگهان دید محمد(صلی الله علیه وآله) با چهره‌ی دگرگون وارد خانه گردید از او پرسید چرا امروز این قدر دیر آمدید؟ آن حضرت ماجرای خود را برای خدیجه شرح داد.

خدیجه از مدت‌ها پیش انتظار چنین روزی را داشت، زیرا از غلام خود «میسره» شنیده بود که

۱. حیات محمد، ص ۱۳۴، تألیف دکتر هیکل.

راهب نصرانی در سفر شام راجع به محمد (صلی الله علیه و آله) گفت: «هذا نبیُّ الامَّة»^۱ - این پیامبر مردم است - و نیز کاهنان و علماء یهود و نصاری به او بشارت داده بودند که محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر است و شأنی عظیم دارد، لذا پیا خاست و پس از پرسش‌های لازم؛ با «ورقة بن نوفل» که یکی از مردم باسواد و مسیحی بود تماس گرفت و قصه را به وی گفت «ورقه» اظهار داشت به خدا سوگند همان ناموس اکبر «جبرئیل» که پیش موسی می آمد نزد او آمده است، بدون هیچ تردیدی او پیامبر این امت

دوره سوم، شماره هشتم / ۹

خواهد بود.^۱ سپس برای اینکه خدیجه موضوع را بهتر درک کند، نشانه‌ی نزول فرشته و وحی را به او اعلام داشت.^۲

خدیجه برگشت و پس از یک بررسی کوتاه، نبوت و پیامبری محمد(صلی الله علیه وآله) را پذیرفت و ایمان خود را اعلام کرد و بدین ترتیب در میان زنان افتخار سبقت در ایمان، نصیب وی گردید.

علی(علیه السلام) اولین مردی که ایمان آورد

همان سالی که در عربستان قحطی شدیدی رخ داد، وضع مالی ابوطالب خوب نبود، محمد(صلی الله علیه

۱. سیره‌ی ابن هشام، ج ۱، ص ۲۳۸ و بحارالانوار ج ۱۸، ص ۲۰۸.

۲. مناقب، ج ۱، ص ۴۲.

وآله) برای اینکه گشایشی در امر معاش او به هم
رسد، علی را به خانه‌ی خود آورد^۱ و مانند یک پدر
مهربان و دلسوز در تربیت او کوشید
علی (علیه السلام) که در خانه‌ی محمد (صلی الله علیه
وآله) می‌زیست و در هوش و استعداد سرآمد بود
باجان و دل از محمد (صلی الله علیه وآله) پیروی
می‌کرد و در این مدت کاملاً به حقیقت
محمد (صلی الله علیه وآله) و صدق او آشنا بود و به
همین جهت در سن ده‌سالگی با بصیرت کامل به
پیامبری محمد (صلی الله علیه وآله) ایمان آورد و

۱. سیره‌ی ابن هشام، ج ۱، ص ۲۴۶. بحار الانوار، ج ۱۸،
ص ۲۰۸.

دوره سوم، شماره هشتم / ۱۱

بدین ترتیب گوی سبقت را در اسلام و ایمان از دیگران ربود.^۱

تشریح نماز

اولین چیزی که پس از توحید و یکتاپرستی بر پیامبر اسلام و پیروان او واجب شد، نماز بود و از این جا عظمت نماز که اساس ارتباط انسان با خدا و قدردانی نعمت های بی پایان اوست، روشن می شود؛ لذا پیشوایان اسلام به ویژه پیامبر گرامی درباره ی نماز سفارش های بسیار می کردند و می گفتند: نماز ستون

۱. سیره ی ابن هشام، ج ۱، ص ۲۴۵؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۸ الغدیر، ج ۳، ص ۲۱۹ - ۲۴۱؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۶۰.

دین است،^۱ اگر کسی نماز را سبک بشمارد در آخرت و سرای جاویدان به شفاعت ما نمی‌رسد.^۲ به هر صورت، خداوند به وسیله‌ی جبرئیل کیفیت نماز و شرایط آن را اعلام کرد و محمد (صلی الله علیه و آله) آن را به خدیجه و علی (علیه السلام) یاد داد و نماز دسته‌جمعی را که نماز جماعت نامیده می‌شود، بر پا نمود.^۳

۱. وسائل الشیعه، چاپ دوم ۱۳۸۴ قمری، ج ۳، صص ۱۶-۱۷.

۲. وسائل الشیعه، چاپ دوم ۱۳۸۴ قمری، ج ۳، صص ۱۶-۱۷.

۳. اعلام السوری، ص ۳۷. کتاب جامع احادیث شیعه، ج ۲، ص ۳۱ البته در آن موقع هر یک از نمازهای پنج‌گانه، دو رکعت بجای آورده می‌شد.

دوره سوم، شماره هشتم / ۱۳

سه سال تبلیغ عملی:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پس از بعثت تا سه سال به دعوت پنهانی پرداخت، زیرا محیط فاسد عربستان که قرن‌ها به بت پرستی و شرک آلوده بود، برای دعوت علنی هیچ‌گونه آمادگی نداشت محمد (صلی الله علیه وآله) اگر در ابتدای بعثت، دست به این کار می‌زد، با مشکلات طاقت‌فرسایی روبرو می‌شد که او را از هدف اصلی دور می‌کرد، این بود که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در مقابل بت پرستان که **خدایان متعددی** را می‌پرستیدند و عبادت آن‌ها، دست زدن و سوت کشیدن بود، خدای واحد را نیایش می‌کرد و نماز را که مجموعه‌ی بی‌

معارف معنوی و حمد و ثنای خدای واحد است، بر
پا می‌داشت.

محمد (صلی الله علیه و آله) همراه
علی (علیه السلام) و خدیجه (علیها السلام) در مراکز
پرجمعیت مانند «مسجد الحرام» و «منی» می‌آمد و در
برابر چشم مخالفان نماز دسته جمعی را برپا داشته و
بدین ترتیب با آیین چندگانه پرستی مبارزه‌ی عملی
می‌کرد.

«عقیف» یکی از بازرگانان آن زمان، چنین
می‌گوید: من برای امر تجارت نزد عباس پسر
عبدالمطلب رفته بودم، ناگهان شخصی وارد
مسجد الحرام شد، نگاهی به آسمان و خورشید کرد و
رو به کعبه به نماز ایستاد طولی نکشید که زنی با

دوره سوم، شماره هشتم / ۱۵

پسری وارد شدند و با وی نماز گذاردند به عباس
گفتم: این چه دینی است که من نسبت به آن
بی‌خبرم؟!

عبّاس گفت: این مرد محمد (صلی الله علیه وآله)
پسر عبدالله است او عقیده دارد: پروردگارش همان
پروردگار آسمان‌ها و زمین می‌باشد و خداوند او را
برای هدایت انسان‌ها برانگیخته است؛ این دین، فعلاً
غیر از این سه نفر پیرو دیگری ندارد، این زن که
می‌بینی خدیجه دختر خویلد و این پسر، علی فرزند
ابوطالب است که به وی گرویده‌اند.^۱

۱. اعلام الوری، ص ۳۸ چاپ ۱۳۹۰ و تاریخ طبری، ج ۳،
ص ۱۱۶۲.

محمد (صلی الله علیه و آله) بدین ترتیب ادامه داد تا این که رفته رفته مسلمین رو به افزایش نهادند و اسلام برخلاف میل مخالفین گسترش یافت و چون زمینه برای دعوت علنی آماده گشت، محمد بر انجام آن مأموریت یافت.

دعوت خویشاوندان و نخستین اعجاز:

تبلیغ عملی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و افزایش گروندگان او، زمینه را برای دعوت علنی آماده ساخت؛ و خداوند پیامبر اسلام را به دعوت خویشان نزدیکش فرمان داد^۱.

تا یاهو گویان نگویند: چرا خویشان خود را از عذاب خدا نمی ترسانی و آنان را به سوی یکتاپرستی

۱. وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ، سوره ی شعراء، آیه ی ۲۱۴.

دوره سوم، شماره هشتم / ۱۷

نمی‌خوانی؟ علاوه بر این، برای آن‌که از حمایت آنان زمینه‌ی بیشتری برای پیشرفت اسلام آماده شود، لذا پیامبر اسلام به علی (علیه‌السلام) دستور داد: غذایی تهیه کند و خویشاوندان را که تقریباً چهل نفر بودند، دعوت نماید.

علی (علیه‌السلام) پس از آن‌که غذا را آماده ساخت آنان را دعوت کرد و همگی حاضر شدند آنگاه غذائی را که برای یک نفر آنان هم کافی نبود آورد و تمام آن چهل نفر از آن غذا خوردند و سیر شدند و درعین حال چیزی از آن غذا کاسته نشد، این امر موجب حیرت و تعجب آنان گردید، ولی ابولهب بدون این‌که بیان‌دیشد اظهار کرد: این کار افسون و سحراست غافل از آن‌که سحر انسان را سیر نمی‌کند!

محمد (صلی الله علیه و آله) در آن روز هیچ مطلبی را نگفت و شاید این سکوت به خاطر آن بود که فرق «معجزه» و «سحر» خودبه خود برای آنان آشکار شود، زیرا اگر این کار سحر بود، وقتی آنان از منزل خارج شدند باید همگی گرسنه باشند.

باری، چون این مجلس به جایی نرسید پیامبر اسلام دوباره آنان را برای فردا دعوت کرد و همان پذیرایی در آن روز تکرار شد و همگی سیر شدند.

آن وقت محمد (صلی الله علیه و آله) گفت: ای پسران عبدالمطلب خداوند مرا برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده قرار داده است مسلمان شوید و از من پیروی کنید که به سعادت خواهید رسید، به خدا سوگند، من در عرب فردی را سراغ ندارم که بهتر

دوره سوم، شماره هشتم / ۱۹

از آنچه برای شما آوردم، چیزی برای قوم خود آورده باشد، من خیر دنیا و آخرت برای شما آورده ام خداوند بزرگ به من دستور داده است که شما را به سوی او بخوانم، کدام یک از شما مرا بر این امر کمک می‌کنید؟ هرکسی این امر را بپذیرد او برادر، وصی و جانشین من در میان شما خواهد بود، هیچ‌کس از آن‌ها پاسخ مثبت نداد، تنها علی (علیه‌السلام) که سن او از همه کمتر بود به پا خاست و گفت: ای پیامبر خدا، من یاور تو هستم محمد (صلی‌الله علیه و آله) علی (علیه‌السلام) را نشانند و همان گفتار را تا سه بار تکرار کرد ولی کسی جز علی (علیه‌السلام) به او پاسخ نداد، آنگاه

۲۰ / روش تبلیغی حضرت محمد صلی الله علیه و آله

محمد (صلی الله علیه و آله) اشاره به علی (علیه السلام) کرد و گفت:

این برادر، وصی و جانشین من در میان شما می باشد، به سخنان او گوش فرا دهید و از وی پیروی کنید.^۱

در همین روز بود که جماعتی به پیامبر اسلام ایمان آوردند،^۲ ولی جهل و تعصب نگذاشت همه ی خویشان وی به او ایمان آورند، اگرچه این مجلس

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۷۱ - ۱۱۷۳ تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۶. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۲. اساساً این موضوع مورد قبول مورخین اسلامی و غیره می باشد و جزو حقایق ثابت به شمار می آید الغدیر، ج ۲، ص ۲۷۸.
۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲.

دوره سوم، شماره هشتم / ۲۱

برای حمایت و طرفداری آنان از پیامبر اسلام بی تأثیر نبود.

در این قضیه علاوه بر سیر شدن چهل نفر، با غذایی کم، نکته‌ی دیگری نیز قابل توجه و دقت است و آن این‌که جملاتی که پیامبر اسلام در آن روز نسبت به پسر عم خود علی (علیه السلام) اظهار داشت باکمال صراحت می‌رساند که خلافت و جانشینی آن حضرت، با علی (علیه السلام) است و او را باید جانشین پیامبر اسلام دانست.

بدین ترتیب زمینه برای دعوت عام و تبلیغ علنی مردم آماده گردید و آن حضرت با پشتکار خستگی‌ناپذیر، ساعتی آرام ننشست و از همین موقع

۲۲ / روش تبلیغی حضرت محمد صلی الله علیه و آله

بود که پرچم اسلام به اهتزاز درآمد و حقیقت شروع
به پیشروی کرد.

پایان